



نارین قلعه میبد بررسی ساختار کالبدی کهن دژ به عنوان هسته اصلی شهر تاریخی

علی آدینه

کارشناسی ارشد، مرمت و احیاء بناها و بافت‌های تاریخی

(مکاتبات: m.a.adineh@gmail.com)

چکیده

نارین قلعه‌ها یا کهن‌دژها به‌عنوان اولین هسته‌های زیست-دفاعی، دارای هویت مستقل و منفردی بودند که به مرور زمان گسترش یافته و با عناصر دیگری چون شارستان و ربض گره خورده و مورد بحث قرار می‌گیرند. با مطالعه شهرهای دارای کهن‌دژ نتایج جالب توجهی به‌دست آمده که طرح کلی واحدی را برای آن‌ها مطرح می‌کند که با همان مفهوم به سرزمین‌های دیگر نیز کشیده شده است. آخرین کاوش‌های باستان‌شناسی نارین قلعه میبد پیشینه سکونت در منطقه را به تاریخ اواخر هزاره چهارم تا اواسط هزاره سوم ق.م می‌رساند که این یافته‌ها تا کنون کهن‌ترین نشانه‌های استقرار در استان یزد هستند. با یافته شدن سفال‌های متعلق به عصر آهن و دوره ماد در قلعه، استمرار استقرار تا این دوره پیش‌بینی می‌شود؛ لذا می‌توان نارین قلعه را یک دژ مادی به حساب آورد که در دوره ساسانی متحول شده و گسترش یافته است و بار دیگر در دوره آل مظفر با قدرت به حیات خود ادامه داده و با حمله تیمور سقوط کرده و دیگر اهمیت خود را نتوانسته به‌دست آورد. این شهر با دربرگرفتن تمامی عناصری که یک شهر تاریخی را شکل می‌دهد، یک الگوی زنده از ساخت شهرهای کهن ایران ارائه می‌نماید که در این میان نارین قلعه به‌عنوان کهن‌دژ همچنان بر پهنه این شهر خودنمایی می‌کند. حتی پس از تخریب‌هایی که در سال ۱۳۴۰ هـ.ش و پس از آن صورت گرفت؛ هنوز هم بیانگر عناصر مختلف یک قلعه تاریخی و هسته اولیه شهر میبد است. در این مقاله به بررسی اجمالی ساختار شهر میبد و شناخت اجزای کالبدی نارین قلعه در راستای معرفی و شناخت یک کهن‌دژ تاریخی پرداخته خواهد شد. اطلاعات مورد نیاز پژوهش از طریق حضور در محل، مشاهده میدانی، عکس برداری و رولوه بنا به علاوه بررسی منابع کتابخانه‌ای و مصاحبه گردآوری شده‌اند. کلمات کلیدی: کهن‌دژ، نارین قلعه، میبد، شهر تاریخی، باستان‌شناسی، معماری.

Narin castle of Meybod; Study of physical structure of old fort as a Kernel of historical city

Adineh, A

Art University of Isfahan

Email: m.a.adineh@gmail.com

Abstract

Narin castles or old forts as first residential- defensive cores that had been with independent and single identity that expanded over the time and discussed with other related elements such as Sharestan and Rabaz. With study of cities with old forts, remarkable results have obtained that raises a single outline for them. This concept can similarly be drawn to the other lands. As the last archeological excavations of Meybod of Narin castle reveals, history of life in the area dates back to late fourth millennium up to the middle of the third millennium BC. These findings have been the earlier signs of establishment of Yazd province up to now. With finding clays of Iron and Median ages, we can predict continuity of establishment until this period. Hence, Narin castle can be considered as one Median stronghold that undergone significant changes and expanded in Sasanian period and again has continued its life and have fallen with Timor invasion and failed to reassert its authority. With holding whole of elements of a historical city, Meybod presents a live role model of construction of an old city in Iran, and Narin castle as an old fort manifests itself across the City. Even after destruction of the castle in 1961 and after that; it is still representing different elements of a historical castle and the first core of Meybod. This article will discuss an overview of the structure of Meybod city and identifying different parts of Narin castle in order to introduce and understanding of a historical old fort. Information for the research was collected through visiting the location, photography and plotting as well as exploring library resources and interviews.

Keywords: Old Fort, Narin Castle, Meybod, Historical City, Archeology, Architecture.

۱- مقدمه

میبد در میانه‌های دشت فرو نشسته یزد- اردکان واقع گردیده است مکان طبیعی- تاریخی آن را می‌توان در مرکز ثقل حوزه فرهنگی دشت یزد- اردکان، در جوار راه باستانی ری به کرمان؛ و بر لبه‌ی تراس طبیعی زمین^۱ توصیف کرد که دارای زمین و خاک بسیار مرغوب و قنوات فراوان است (تصویر ۱).



تصویر ۱. منظر عمومی شهر میبد و موقعیت قرارگیری نارین قلعه میبد در شهر

با توجه به اطلاعات تاریخی؛ اهمیت میبد و نارین قلعه را در سه دوره می‌توان جستجو کرد که عبارتند از: ماد، ساسانی، اسلامی (با تأکید بر دوره آل مظفر)؛ این در حالی است که در منابع تاریخ محلی روایت‌های افسانه‌واری است که ساختن «نارین قلعه» را به اعصار کهن و به‌دست دیوان^۲ (پویا، ۱۳۷۱: ۶) نسبت می‌دهند. محمد شبانکاره‌ای مورخ سده‌ی هشتم، ساختمان کهن دژ میبد یا دژ دالان را سرآغاز بنای تمامی آبادی‌های یزد می‌داند؛ او می‌گوید این همان دژ دیو سفید است که در شاهنامه از آن یاد شده است (پویا، ۱۳۷۱: ۱۲). احمد کاتب صاحب کتاب تاریخ جدید یزد در قرن نهم نیز از ساختن قلعه میبد به‌دست دیوان خبر داده است و نوشته است: «قلعه در زمان سلیمان پیغمبر علیه السلام ساختند... سلیمان فرمود که دیوان کوهی را که قابل قلاع باشد جهت حفظ خزینه قلعه بسازند... دال دیو به این کوه گل رسید و به غایت قابل قلعه دید... سلیمان فرمود که بر این پشته از گل سنگ قلعه حصین دال دیو بسازد، دیو به فرمان سلیمان قلعه‌ی میبد بساخت و بعضی خزائن سلیمان به آن قلعه نقل کردند... و او را قلعه‌ی دالان خوانند.» (کاتب، ۱۳۵۷: ۴۰) به نظر می‌رسد، این موضوع متعلق به دوران اسلامی باشد^۴.

به هر حال پیشینه‌ی تاریخی میبد کاملاً مرتبط با کاوش‌های صورت گرفته در نارین قلعه است که طی آخرین کاوش‌های باستان‌شناسی^۵ در نارین قلعه نشانه‌هایی از معماری و سفال به‌دست آمده و به استناد سفالینه‌ها فعلاً تاریخ اواخر هزاره چهارم تا اواسط هزاره سوم پیش از میلاد را برای آن پیشنهاد کرده‌اند. در بررسی ساختارهای زیر بنایی شهر؛ یعنی کهن دژ به همراه خندق و حصار و دروازه‌ها و نیز شارستان و روضه؛ به این مطلب پی برده شد؛ ساختارهای زیربنایی نقشی اساسی در نظام کالبدی - فضایی شهر ایفا می‌نمایند به گونه‌ای که می‌توان شهر و ساختار فعلی آن را با توجه به ویژگی‌های شاخص نظامی - سکونتی و تأکید بر حضور ریشه دار کهن دژ یا نارینقلعه، گسترش یافته و متحول شده یک شهر ساسانی^۶ شناخته

شود (اشرف، ۱۳۵۳). یافته شدن اشیایی از دوره ساسانی بر قوت داشتن این دوره مهر تأیید می‌زند. به استناد یک مهر کشف شده در توده‌ی عظیم خشتی که بخش عمده‌ای از ساخت و سازهای شاه‌نشین قلعه بر آن شکل گرفته و با توجه به ویژگی‌های هنری دوره ساسانی و یک کتیبه پهلوی که در آن پیدا شده می‌توان این لایه و ساختار را به دوره‌ی ساسانی منتسب نمود^۱ (ذاکر عاملی، ۱۳۸۲).

از دوره‌ی اسلامی با وجود حجم منابع اطلاعاتی این دوره در مورد میبد اطلاعات مکتوب زیاد و کاملی به جا نمانده است. اما با دانستن این مطلب که از مشخصه‌های اصلی شهر در دوره اسلامی مسجد جامع آن است، حضور مسجد اولیه‌ی میبد در سده‌های دوم و سوم هجری می‌تواند به معنای حضور و تسلط دولت اسلامی بر منطقه باشد. جغرافی نویسان اولیه اسلامی، از جمله اصطخری و ابن حوقل، میبد را از جمله شهرهایی شمرده‌اند که در آن زمان «جامع و منبر^۲» و مسجد آدینه داشته‌اند. قابل ذکر است؛ وجود مسجد آدینه نشانه آن است که میبد در آن هنگام منزلت شهری داشته است. در تأیید این مطلب، جز مسجد اولیه میبد باید به مرمت‌های این دوره در نارین قلعه؛ شواهد بسیار اندک شهرسازی و توسعه و مرمت حصار و برج و باروی شهر نیز اشاره کرد. با این حال در دوران اسلامی تا دوران حکومت آل کاکویه و اتابکان، فقط در ذیل اوقاف و عماراتی که در کتاب‌های محلی نام برده شده از میبد یاد شده است، ولی در دوران آل مظفر اقدامات عمرانی و مرمت‌های ساختمانی زیادی در میبد؛ که در واقع خاستگاه آنان بود؛ انجام داده‌اند. از جمله مرمت و احیاء دوباره نارین قلعه میبد و توسعه‌ی برج و باروی شارستان و... که از عمده شواهد تأکید بر مرمت دوران آل مظفر در میبد، جبهه جنوبی و آفتابگیر نارین قلعه است. امیرمحمود مؤسس این سلسله مقرر حکومت خویش را در میبد پایه‌ریزی کرد. برای اجرای این منظور از نارین قلعه پس از تعمیر آن بهره فراوان برد. پس از حمله تیمور لنگ و انقراض سلسله مظفری، به‌دستور امیر تیمور، بخشی از قلعه با خاک یکسان شد. میبد پس از این دوره، از جایگاه خود فرو افتاد و دیگر هیچ‌گاه نتوانست اهمیت خود را باز یابد. مهم‌ترین مشخصه میبد ساختار اصیل فضایی شهر و کلیت نظام شهرسازی آن است که بر اساس شواهد و مدارک تاریخی، ویژگی‌های فیزیکی، چهره کالبدی و فضاهای معماری که با وجود دخل و تصرف در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ بخش زیادی از ساختار اصیل آن باقی مانده و یک الگوی زنده از ساخت شهرهای کهن ایران ارائه می‌نماید و هنوز هم دارای سه بخش ارگ (کهندژ)، شارستان و ریش یا بیرونه است که اجمالاً به هر یک در ادامه پرداخته می‌شود.

۱-۱- روش تحقیق

روش تحقیق توصیفی- تحلیلی- تطبیقی است که اطلاعات مورد نیاز پژوهش از طریق حضور در محل، مشاهده میدانی، عکس برداری و رولوه بنا به علاوه بررسی منابع کتابخانه‌ای و مصاحبه گرد آوری شده‌اند.

۲- کهندژ

نارین قلعه بر بالای مرتفع‌ترین پشته گلی شهر (تصویر ۲)، به ارتفاع ۲۵ متر و منطبق بر تراس طبیعی زمین، به صورت دماغه‌ای پیش آمده قرار دارد، موقعیت استراتژیک آن به گونه‌ایست که بر تمامی محلات

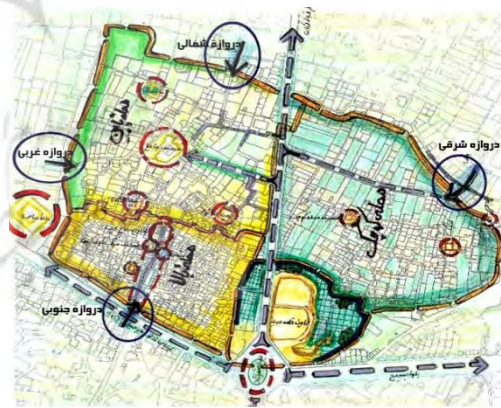
میبد اشراف داشته و در واقع بام شهر است. قلعه میبد که به احتمال قوی در دوره ساسانی یک دوره توسعه را تجربه کرده است، به شکل بیضی نامنظم است که مساحت کلی آن حدود ۴ هکتار و در ۵ طبقه محصور در دیوارهای سنگین تودرتو و چند فصیل است که توسط خندق و برج و باروی محکمی از پیرامون خود مجزا گشته است. این بخش موضوع اصلی مقاله حاضر بوده و در ادامه شرح داده می‌شود.



تصویر ۲. موقعیت کهن‌دژ در شهر (آرشیو پایگاه پژوهشی میبد)

۳- شارستان

میبد امروزه به واسطه گسترش و توسعه محله‌های کوچک قدیمی و به هم پیوستن آن‌ها به یکدیگر مجموعه‌ای به ظاهر واحد تشکیل داده است، اما شارستان قدیم میبد، یا میبد مرکزی یا مادرشهر میبد در داخل مجموعه‌ای مستحکم و محصور با برج و باروهای سنگین، دروازه‌های چهارگانه، خندق و استحکامات دفاعی - امنیتی عظیمی واقع گردیده که خود شامل سه محله؛ بالا، پایین و کوچک (شکل ۱ و تصویر ۳) است.



شکل ۱. موقعیت محله‌های شارستان و دروازه‌های آن (پایگاه پژوهشی میبد).

تصویر ۳. نمایی از حصار پیرامون شارستان - محله کوچک - نارین قلعه، محله بالا و پایین (آرشیو شهرداری میبد،)

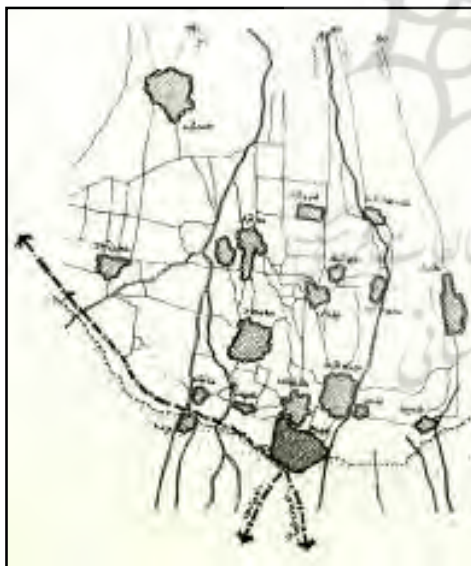
محلات بر اساس گروه‌های اجتماعی شکل گرفته و نقش آب و قنات در شکل‌گیری محلات و نیز قشربندی اجتماعی، بسیار حائز اهمیت است. فضای اصلی محله در مرکز اجتماعی - فرهنگی محله، حسینیه یا میدانگاهی است که در محل تقاطع چند گذر اصلی قرار گرفته و گذرهای عمده به آن می‌-

رسند. در اطراف آن معمولاً گرمابه، مسجد، آب انبار و بازارچه و ... قرار دارد. بازار به عنوان ستون فقرات اصلی شهر از دل شارستان در محله پتراکم بالای میبد عبور می‌کند و مهم‌ترین مسیر و در واقع شاه‌گذر ارتباطی شهر محسوب می‌شود. بازار از دروازه جنوبی شهر آغاز و به مرکز ثقل یا قلب شهر یعنی مسجد جامع منتهی می‌شود که بر اساس تازه‌ترین پژوهش‌های^۹ انجام شده متعلق به قرون اولیه هجری است. همان‌گونه که اصطخری نیز در قرن چهارم از وجود مسجد آدینه معتبری در شهر خبر داده است (اصطخری ۱۳۴۷، ۹۷).

۴- ربض

در نظام شهرسازی قدیم هنگامی که مرکز اداری یک ناحیه به عنوان شهرستان معین می‌شد آن را با خندق و برج و باروهای محکم محصور می‌کردند. محله‌هایی که اطراف و پیرامون حصار شهر بیرون از دروازه‌ها واقع می‌شد یا بعداً پدید می‌آمد؛ «بیرونه» یا «ربض» یا «سوادشهر» می‌خواندند، به عبارت دیگر حیات اقتصادی شهر عمیقاً به همین بیرونه‌ها بستگی داشت و در واقع این آبادی‌ها با یک مرکز سیاسی و اداری، یعنی شهرستان، مجموعه شهر را تشکیل می‌دادند (پویا، ۱۳۷۴: ۱۰۹).

هفده پارچه آبادی میبد از جمله بشنیغان، فیروزآباد، مهرجرد، بیده، بارجین، ده آباد، بفروئیه، خانقاه، کوچه باغ، شورک، امیرآباد، یخدان، شاه جهان آباد، و... (شکل ۲) از این قرارند که به همراه شارستان مرکزی و ارگ حکومتی نارین قلعه میبد مجموعه شهر قدیم میبد را تشکیل می‌دهند و تمام این مجموعه خشتی گلی را باغ‌های انار همچون نگینی در برگرفته‌اند.



شکل ۲. الگوی سازمان فضایی و استقرار آبادی‌های میبد در طول تاریخ (اسفنجاری، ۱۳۸۵، ۳۵).

۵- نارین قلعه

۵-۱- شناخت واژه نارین قلعه

در فرهنگ‌های مختلف لغات فارسی ذیل واژگان نارین، نارینقلعه و نارین‌دژ، توضیحات مختلفی آورده شده است که به آن‌ها اشاره می‌شود:

در لغت‌نامه دهخدا ذیل کلمه نارین آمده است: «مغول به خزانه محتوی جواهرات و زر سرخ که زیر نظر مستقیم سلطان وقت بوده است نارین می‌گفته‌اند». در فرهنگ نفیسی؛ نارین به «تر و تازه، تابان، روشن، صاف، براق، ظریف و آراسته» معنا شده است. همین توضیح در فرهنگ لغت صبا نیز آمده است. نارین قلعه در فرهنگ نفیسی این‌گونه آمده: «نام قلعه‌ای در جانب غربی بغداد». توضیحی نیز به آن افزوده که: «در قلعه‌ها که چند توسست قلعه درونی که از همه خردتر است». در میان اهالی میبد این واژه به «تارنج قلعه» مصطلح است که در فرهنگ دهخدا در توضیح این واژه آمده: «از بناهای قدیمی نائین یزد». در فرهنگ آندراج و فرهنگ دهخدا مترادف با لغت نارین قلعه واژه «نارین دژ» با توضیح «ارگ دژی که در دژ دیگر باشد، به کار رفته است.»؛ که ذیل واژه ارگ نیز در فرهنگ فارسی عمید آمده: «عمارت حکومتی، قصر، یا قلعه کوچک که در میان قلعه بزرگ ساخته شده و محل سکونت پادشاه یا حاکم باشد.» و واژه ارگ در فرهنگ معین آمده: «لغت پهلوی، دژ کوچکی که در میان دژ بزرگ بسازند، دژ در دژ، قلعه کوچک میان قلعه بزرگ». طی یک مصاحبه که با آقای دکتر ناصر نوروز زاده چگینی در مورد واژه نارین قلعه صورت گرفت ایشان نکات تازه و جالب توجهی در زمینه نزدیک شدن معانی و مفهوم نارین قلعه‌ها با قلعه دخترها^۱ عرض نمودند که جای بسی تأمل و بررسی دارد (مصاحبه با نوروززاده چگینی، ۱۳۸۷).

۵-۲- نارین قلعه‌ها به عنوان سکونتگاه‌های دفاعی

طرح دلایل مختلف برای ایجاد شهر و سکونتگاه‌های دفاعی نیاز به بررسی و مطالعات بیشتری دارد، ولی با استناد به مطالعات انجام شده می‌توان هسته مرکزی این‌گونه سکونتگاه‌ها را قلعه‌هایی دانست که نارین قلعه یا کهن دژها به عنوان یکی از مهم‌ترین آن‌ها محسوب می‌گردند. دکتر منوچهر ستوده نیز نارین قلعه یا کهن دژها را به عنوان یک گروه از استحکامات ایران^۱ به شمار آورده است (ستوده، ۱۳۶۶: ۱۰۴-۹۱). در حالی که به استناد متون کهن و بازمانده‌های کالبدی و کاوش‌های باستان‌شناسی می‌توان شهرهای کهن بسیاری را دارای این‌گونه قلعه‌ها دانست که در مراحل اولیه استقرار، این قلعه‌ها هویت مستقل و منفردی داشته‌اند اما در مراحل بعد و پیدایش محلات مسکونی در جوار آن‌ها و در نهایت شکل‌گیری شارستان، ایجاد حصار و برج و بارو در اطراف آن هویت دیگری یافته و پس از آن با عناصری چون شارستان و ربض مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد. محمد تقی‌خان حکیم در کتاب «گنج دانش جغرافیای تاریخی شهرهای ایران» از قلعه‌های چندین منطقه چون؛ فیروز کوه، بادکوبه، جاجرم، چارده، تغلیس، ایروان با عنوان نارین-قلعه یا نارنج‌قلعه یاد نموده است (حکیم، ۱۳۶۶) که با توضیحاتی که در مورد شهرهای دفاعی دارای کهن-دژ یا نارین قلعه در متون تاریخی آمده، طرح کلی واحد و مشخصی در اکثر آن‌ها اجرا شده که در دوره‌های بعد تا سرزمین‌های دیگر نیز کشیده شده‌اند. از این جمله می‌توان قلعه‌ی بست، رای پیتورا، تعلق آباد و بیدار در هندوستان را نام برد که دارای کهن دژ هستند. (شکل‌های ۳ تا ۶) از مطالعه این شهرها در مورد کهن دژها یا نارین قلعه‌ها نتایجی به دست آمده که عبارتند از:

«شهرهای دارای نارین قلعه یا کهن دژ خود دارای استحکامات دفاعی چون حصار، برج و بارو و خندق بوده و جزو شهرهای دفاعی محسوب می‌شدند.

نارین قلعه یا کهن دژ به عنوان شاخص ترین و مهم ترین عنصر شهر در دوره های مختلف اهمیت خود را حفظ کرده اند.

نارین قلعه یا کهن دژها معمولاً در گوشه ای از شهر و متصل به حصار اصلی شهر ساخته می شد. نارین قلعه یا کهن دژها بیشتر نقش مرکزیت سیاسی - حکومتی را ایفا می نمودند تا نظامی - حکومتی. نارین قلعه یا کهن دژها نه به عنوان یک بنای واحد بلکه با کالبدی تو در تو دارای حصارها و فضاهای مختلف، جهت اسکان طبقات مختلف حکومتی بودند. مطمئن ترین و اساسی ترین استحکامات شهر متعلق به نارین قلعه یا کهن دژها بود. مرتفع ترین و امن ترین بخش کهن دژها مخصوص اسکان بالاترین منصب حکومتی بود. نارین قلعه یا کهن دژها آخرین سنگر دفاعی شهر محسوب می شد و به همین سبب دارای فضاهای مختلفی جهت انبار آذوقه و مایحتاج اولیه زندگی بودند.» (نصیری، ۱۳۸۴: ۳۳).



شکل ۶. شهر بیدار

شکل ۵. شهر تعلق آباد

شکل ۳. شهرای پیتوراشکل ۴. شهر بست

(نصیری، ۱۳۸۴: ۳۳).

۵-۳- پیشینه تاریخی نارین قلعه میبد

کهندژ^{۱۲} یا نارین قلعه میبد از قدیم ترین و شاخص ترین پدیده هایی است که نمایانگر حضور سیاسی و نظامی دولت و حکومت در شهر میبد است. ساختمان آن، سبک های متنوعی را عرضه می دارد که بقایا و تفاوت هایی که در اندازه خشت ها وجود دارد نمایانگر سیر تاریخی بنا است؛ به گونه ای که می توان از نارین-قلعه به عنوان مجموعه ای مستند از آثار دوره های مختلف تاریخی و فرهنگی منطقه یاد کرد (پویا، ۱۳۷۱: ۱۰). عبدالعظیم پویا^{۱۳} با توجه به شکل زیگوراتی قلعه این گمان را مطرح می کند که قلعه زمانی به عنوان یک «مرکز مذهبی و معبد» نیز مورد استفاده بوده است. ایرج افشار نیز احتمال داده که این قلعه در ابتدا یک نیایشگاه بوده است. شیبانی (شیبانی، ۱۳۸۷) باستان شناس نارین قلعه هم به وجود ساخت و ساز قدیمی تر از ساخت و سازهای دوره اسلامی اشاره دارد که نشان از آثار یک مصطبه ی خشتی داشته، که ساخت و سازهای بعد روی آن رخ داده است. اما وجود خندق های گود، دیوارهای عظیم، استحکامات ساختمان، باروهای تودرتو، موقعیت خوب دفاعی، فرازمندی و اشراف آن بر منطقه؛ بیشتر نشان دهنده ویژگی های نظامی قلعه است.

نارین قلعه میبد؛ با دارا بودن استحکامات دفاعی قدرتمند و وضعیت مناسب استراتژیک از چنان موقعیت استثنایی در دشت یزد- اردکان برخوردار است که نمی توان برای آن کارکردی جز مرکزیتی سیاسی -

حکومتی جهت اداره‌ی منطقه‌ای وسیع متصور بود. عدم وجود نمونه‌های مشابه با نارین قلعه با ویژگی‌های خاص آن در گستره وسیعی اطراف میبد بر اهمیت آن افزوده و جایگاه آن را در حد کاربرد محلی مورد تردید قرار می‌دهد.

۵-۴- یافته‌های باستان‌شناسی نارین قلعه‌ی میبد

در آنچه گذشت به برخی موارد اشاره شد، با این حال یافته‌های دیگری نیز در نارین قلعه به ثبت رسیده که چکیده نتایج پژوهش‌ها در دو فصل کاوش^{۱۴} نارین قلعه، به قلم زرین تاج شیبانی از این قرار است: «...در کاوش فصل اول نارین قلعه نمونه‌هایی از سفال و سفال نخودی منقوش سیاه، به دست آمده بود که محل دقیق آن به علت قرار داشتن در لایه‌های مضطرب آواری مشخص نبود، ولی در فصل دوم کاوش مشخص شد که این سفال‌ها، درون خشت‌های بزرگ $۵۰ \times ۳۰ \times ۱۲$ و $۴۰ \times ۲۶ \times ۱۰$ سانتی‌متری قرار داشته‌اند. احتمالاً برای ساخت این خشت‌ها از خاک یک محوطه باستانی استفاده شده که علی‌الاصول نمی‌بایست خیلی دور از این مکان باشد. نکته‌ی دیگر؛ فراوانی سفال‌های عصر آهن در محدوده‌ی درون نارین قلعه در سطح بین دربندهای سوم و چهارم در اطراف مصطبه یا توده‌ی عظیم خشتی است، که به‌ویژه با وجود نشانه‌هایی از سفال‌های دوره‌ی ماد می‌توان استمرار استقرار در محوطه نارین قلعه را پیش‌بینی نمود...» (اسفنجاری، ۱۳۸۵: ۱۹). مشاهدات گویای آن است که در برخی مکان‌ها با ایجاد برش در توده خشتی، فضا ایجاد کرده‌اند و در برخی دیگر نیز با افزودن ساخت و ساز، فضاهای جدیدی ایجاد نموده‌اند. این شواهد در نما و بدنه برخی فضاها قابل مشاهده است. در طی کاوش‌ها در قلعه؛ در محلی که ساخت و سازهای جدید به مصطبه افزوده شده؛ به واسطه برداشته شدن یک آجر ۲۰×۲۰ مهر ساسانی یافته شد و به دلیل حساس بودن امر، کاوش متوقف شد. لیکن مهر ثابت می‌کند که این مصطبه (یا توده عظیم خشتی) یک مصطبه (ساختار) ساسانی است. اما اینکه کاربرد آن چه بوده؛ یا حتی یک بنای مذهبی می‌تواند باشد که آشکده روی آن بنا شده، اطلاعات دقیقی وجود ندارد. شایان به‌ذکر است که آثار این مصطبه را در بدنه‌ی جنوبی نیز می‌توان دید، این بدنه یک دوره از ساخت و ساز را نشان می‌دهد که روی مصطبه صورت گرفته است...» (تصاویر ۵، ۴ و شکل ۷). زینرو با اطلاعاتی که در طی دو مرحله کاوش به دست آمده، اظهار نظر قطعی را باید به کاوش‌های آینده که امید است در قلعه انجام گیرد موکول نمود.



تصویر ۴. آثار مصطبه خشتی و ساخت و ساز دوره‌های مختلف در بدنه جنوبی ارگ (نگارنده، ۱۳۸۷)



شکل ۷. نمایش موقعیت آثار مصطبه خشتی

تصویر ۵. آثار مصطبه خشتی در داخل یکی از فضاهای داخلی ارگ حاکم نشین واقع در بخش غربی ارگ (نگارنده، ۱۳۸۷).

۵-۵- سفال‌های به دست آمده از نارین قلعه میبد طی دو فصل کاوش

طبقه‌بندی آثار تاریخی سفالین کشف شده از محوطه‌های تاریخی در تدوین سیر تحول و تطور تکنیکی و هنری سفالگری یاری کننده بوده و پیش فرض‌هایی را در این زمینه در اختیار محقق قرار می‌دهد، اما باید توجه داشت که هرگونه اظهار نظر در این مورد متقن، کامل و خالی از شبهه نخواهد بود. در همین راستا پژوهش‌هایی در مورد سفال میبد صورت گرفت که در آن انواع مختلف یافته‌های باستانی نارین قلعه میبد بررسی شد. اما دستاورد حاصله بیشتر به تکنیک کار اشاره داشته و دریافتن دوره‌های تاریخی بنا فقط چند فرضیه را مطرح می‌کند. که به صورت کوتاه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

ظروف ذخیره؛ اولین آثار هر منطقه را آثار سفالین بدون لعاب با بدنه‌های زمخت تشکیل می‌دهد. این آثار با این که اولین شکل ظهور سفال را در تمدن‌های کهن تشکیل می‌دهد، ساخت آن‌ها در ادوار بعدی حتی تا دوره معاصر نیز ادامه یافته است. قابل ذکر است، برخی از آن‌ها دارای تزئین نیز هستند ظروف پخت؛ شامل تعداد زیادی قطعات سفالین سیاه و دودزده است که از این میان فقط یکی قابل مرمت و بازسازی بود. لازم به ذکر است که این ظروف در ادوار مختلف استفاده می‌شده لذا نمی‌توان آن را به دوره خاصی منسوب نمود (خورشیدی، ۱۳۸۰: ۵۷، ۶۸).

سفالینه‌های ظریف بدون لعاب (تصویر ۶)؛ عمده‌ترین سفال یافت شده که کاربردهای متنوع دارد. این آثار را هم به راحتی نمی‌توان به دوره‌ی خاصی نسبت داد، چرا که در تمام ادوار تاریخی از این‌گونه آثار ساخته و استفاده می‌شده است. تنها ویژگی که بتوان به دوره یا ادوار خاصی نسبت داد، فرم ظروف است که کمتر نمونه‌ی سالمی بدست آمده و نمی‌توان از روی آن‌ها به دوره تاریخیی برد. برخی قطعات یافت شده سطحی صیقلی و براق دارند که مشابه نمونه‌های پیش از تاریخی و قبل از اسلام است که این‌ها را باید سفالینه‌هایی دانست که به همراه خاک رس از تپه‌های باستانی برای تولید خشت استفاده شده و اکنون در میان خشت‌هایی که برای ساخت قلعه استفاده می‌شده یافت می‌شوند (همان: ۸۶).

سفالینه‌های لعابدار یک رنگ؛ سفالینه‌های منقوش زیرلعاب (تصویر ۷) شامل دو گروه، با لعاب شفاف فیروزه‌ای و لعاب شفاف بی‌رنگ (همان: ۹۵). در مورد دوره یا دوره‌های تاریخی سفالینه‌های این گروه باید گفت قدیمی‌ترین تاریخی که به این آثار می‌تواند تعلق گیرد؛ دوره ایلخانی به‌خصوص اواخر ایلخانی و دوره‌ی حکومت آل مظفر است. نسبت دادن این آثار به دوره‌ی آل مظفر به جهت محل استقرار و مرکز قدرت بودن برای مظفریان دور از ذهن نیست. اما در دوره‌های بعد هم از این نوع سفالینه‌ها ساخته شده و حتی تا اوایل تیموری از آن یاد شده است (همان: ۱۰۰).



تصویر ۶. نمونه سفال ظریف بدون لعاب با نقش کنده و مشبک
تصویر ۷. سفال منقوش زیر لعاب فیروزه‌ای بدنه رسی، قسمتی از یک کاسه بزرگ

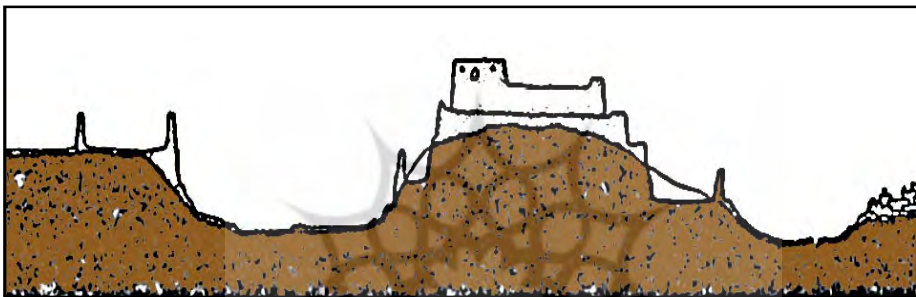
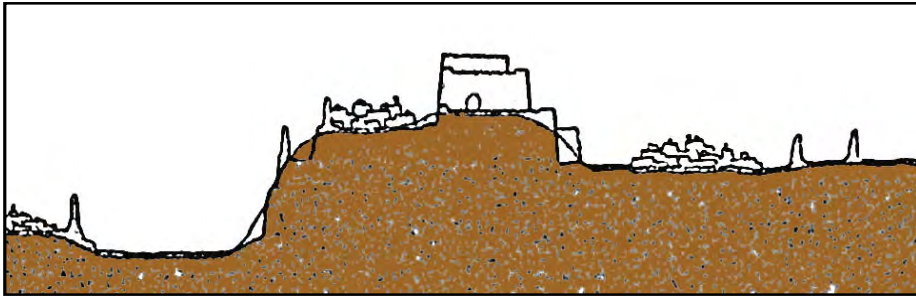
۵-۶- شناخت ساختار معماری نارین قلعه میبد

همان طور که پیش از این اشاره شد؛ موقعیت قرارگیری نارین قلعه به‌گونه‌ای است که بر تمامی محلات میبد اشراف دارد و بخشی از آن اینک در زیر خاک مدفون است. طبقات آن نیز به طور مشخص تفکیک نشده؛ اما آنچه مشخص است اینکه تپه گلی یا رسی شالوده و پی بنا را تشکیل می‌دهد که بخشی از تپه جهت استفاده به شکل بو کن (بوم کن) تراشیده شده است. این بوکن‌ها که اکنون به شکل سوراخ‌هایی در نمای جنوبی جلب توجه می‌کند، بیانگر آن است که مردمان آن روزگار توانسته‌اند با ابزاری ساده، چنین جایگاهی برای زندگی فراهم آورند (اشکال ۸ و ۹).

تمامی این مجموعه متراکم از خشت و گل ساخته شده و دیوارها غالباً به صورت چینه یا خشت و گل و یا ترکیبی از هر دو است. مواد پرکننده در این خشت‌ها گاه است و در لابه‌لای دیوار چینه‌ای برخی قسمت‌ها (بخش شاه نشین، دیوار چینه‌ای غربی آن) الیاف پشمی و حتی تکه‌هایی پارچه نیز به کار رفته که همخوانی آن با محیط و بافت و اقلیم منطقه را نشان می‌دهد (علمی، ۱۳۸۳: ۴۳).

تمام فضاها، محوطه‌ها، دیوارها و برج‌ها و دربندهای بنا مجهز به تیرکش‌ها، روزن‌ها و جان پناه بوده است که نشان از نظامی بودن قلعه دارد. لازم به ذکر است که اکثر قلاع باستانی فضاها را مشابهی را دارا هستند که در معماری آن‌ها به کار رفته و اکنون نیز می‌توان بقایای آن را جستجو نمود، این فضاها مشترک که عناصر اصلی معماری یک قلعه^{۱۵} (پارسی، ۱۳۸۵) را شکل می‌دهند عبارتند از: ۱- قلعه، دژ، حصن، پناهگاه، دژ و کلات ۲- بارو ۳- برج ۴- خندق ۵- شیر حاجی ۶- ارگ ۷- درب (دروازه قلعه) ۸- تخته پل ۹- مترس

۱۰- مزغل تیرکش ۱۱- آسیاب ۱۲- آب انبار ۱۳- چاه ۱۴- بناها که در حالت کلی شامل خانه، مسجد، معبد، بازار و اتاق‌های مختلف، سربازخانه و حمام می‌شده است. در نارین قلعه میبد بسیاری از این فضاها هنوز هم وجود دارند و قابل شناسایی که به هر یک در ادامه پرداخته می‌شود.



اشکال ۸ و ۹. نمای شماتیک از چگونگی شکل‌گیری نارین قلعه بر بستر زمین (نصیری، ۱۳۸۴، ۳۵)

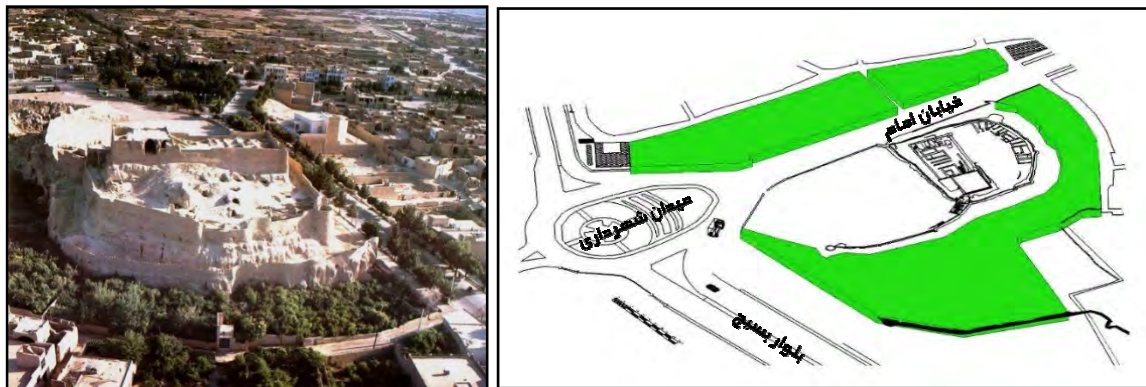
۵-۷- خندق

یکی از عناصر قلعه، خندق است؛ در توضیح خندق آمده؛ گودی است که گرداگرد قلعه جهت مقابله با دشمن حفر می‌گردد و در مواقع حمله دشمن جریان آب در خندق تدبیری است که در جهت مقابله با مهاجم به کار گرفته می‌شود. نارین قلعه میبد از معدود قلعه‌هایی است که خندق (شکل ۱۰) آن به شکلی کاملاً دست نخورده (به صورت باغ‌های انار و انگور) دور تا دور قلعه باقی مانده (تصویر ۸)؛ که متأسفانه خیابان‌کشی خیابان امام سال ۴۰؛ که در بخش‌های بعد شرح داده خواهد شد؛ منجر به از بین رفتن بخشی از آن گردیده است. خندق به دو بخش کاملاً مجزا واقع در دو طرف خیابان امام تقسیم شده و بخشی از آن در نواحی مجاور خیابان امام و بلوار بسیج با نخاله‌های ساختمانی پر شده است. اما بخش دیگر خندق متحمل ساخت و سازهای ناهنجار شده که خوشبختانه در سال‌های اخیر با حضور میراث فرهنگی و جلوگیری از ادامه مداخلات، ساخت و سازها متوقف شده و حق دخل و تصرف آن وجود ندارد.

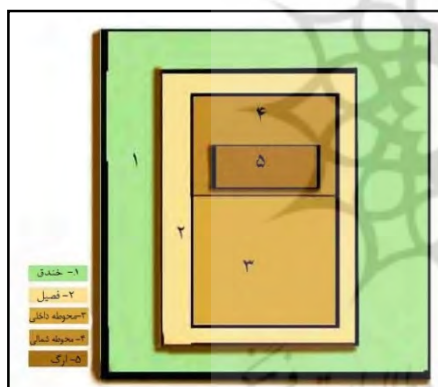
۵-۸- باروها

نارین قلعه به شکل بیضی نامنظم است که در دیوارهای سنگین تو در تو^{۱۶} و چند فصیل محصور است و توسط خندق و برج و باروی مستحکمی از پیرامون خود مجزا گشته و از سوی جنوب و جنوب شرق با

باروی شهر مماس است. اما آنچه با توجه به ساختار فعلی می توان درک نمود؛ ۴ ردیف حصار است که یکی در جوار خندق بوده و بعد از آن یک فصیل^{۱۷} قرار می گیرد. حصار بعدی، بعد از فصیل و در برگیرنده محوطه داخلی است. باروی سوم در برگیرنده محدوده محوطه شمالی و ارگ حکومتی است و در نهایت باروی چهارم ارگ حکومتی را محصور می نماید (تصویر ۹ و شکل ۱۱).



شکل ۱۰. محدوده خندق پیرامون قلعه و خیابان امام گذرنده از قلعه تصویر ۸. باغ های انار و انگور داخل خندق (آرشیو پایگاه پژوهشی میبد).

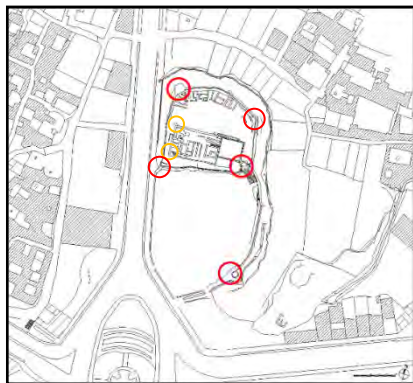


تصویر ۹. باروهای قلعه پیرامون ارگ و محوطه شمالی مشهود است (آرشیو شهرداری میبد).

شکل ۱۱. بیان شماتیک از کلیت فضاهای محصور نارین قلعه (نگارنده، ۱۳۸۷).

۵-۹- برج ها

برج ها در فواصل مختلف حصارهای پیرامون قلعه منطبق با حرکت حصار و همراه با چرخش در نقاط خاصی ساخته شده که تعداد آن ها دقیقاً مشخص نیست ولی در حال حاضر بقایای برخی از آن ها به چشم می خورد. در حال حاضر تنها برج کاملی که پیرامون باروی دوم به چشم می خورد برج جنوب شرقی است که در سال های اخیر بازسازی شده است. از ۴ برج باروی سوم، یکی برج دربند چهارم و برج شمال غربی است که مرمت شده است. در باروی چهارم ارگ هم دو برجک در شمال غرب و جنوب غرب آن مشهود است (تصویر ۱۰ و شکل ۱۲).



برج‌های باروی دوم و سوم
برجک‌های ارگ



برج‌های شمال غرب و جنوب شرق
برجک‌های ارگ

تصویر ۱۰. برج‌های شمال غرب و جنوب شرق قلعه و برجک‌ها (آرشیو شهرداری میبد)

شکل ۱۲. موقعیت برج‌های مشهود نارین قلعه میبد (آرشیو پایگاه)

۵-۱۰- دروازه، دربند و ورودی‌های نارین قلعه

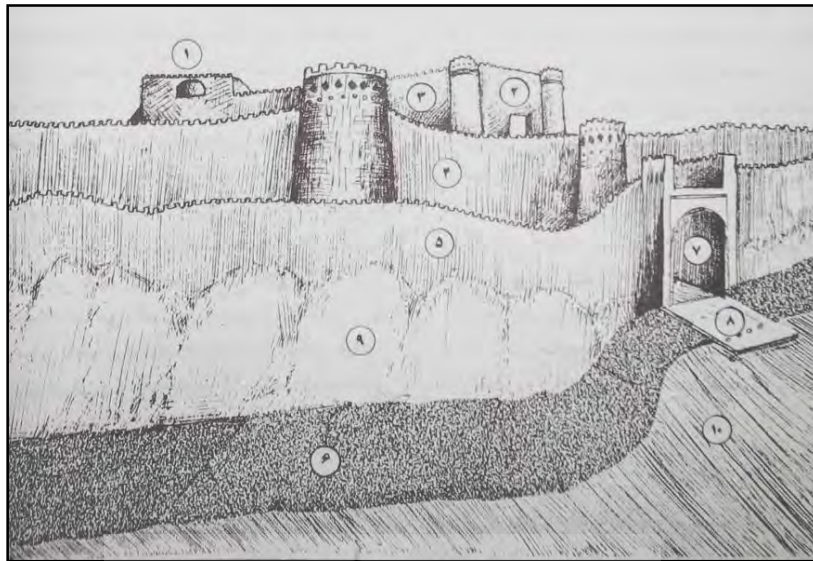
بر طبق آنچه مردم میبد نقل می‌کنند؛ ورود به قلعه از طریق کوچه‌ای واقع در شرق محله بالا بود که بخشی از خندق پیرامون قلعه را طی می‌کرد تا به محدوده‌ای نزدیک قلعه برسد (تصویر ۱۱). درب قلعه به شکل پل روی آن می‌خوابید و فاصله بین خندق و قلعه را اتصال می‌داد. دکتر پویا این روایت را با پیمایش تخیلی - واقعی این‌گونه تصویر می‌کند: «درگاه اصلی قلعه در ارتفاع ۲ متری زمین در دیوار خارجی تعبیه شده بود. در دروازه، محکم و مخصوص بود، لولای آن در کف درگاه قرار می‌گرفت، به گونه‌ای که با زنجیر و قرقره‌هایی محکم باز و بسته می‌شد. هنگام باز شدن، روی سکوی مقابل به صورت تخته‌پل می‌خوابید.» (شکل ۱۳).



تصویر ۱۱. وضعیت کنونی گذر منتهی به ورودی اصلی قلعه در گذشته (نگارنده، ۱۳۸۷)

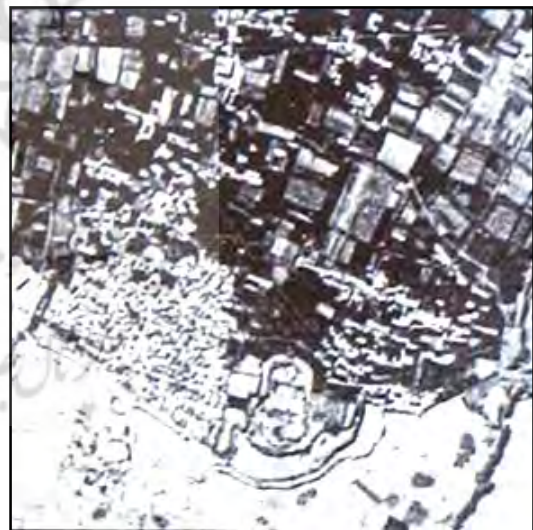
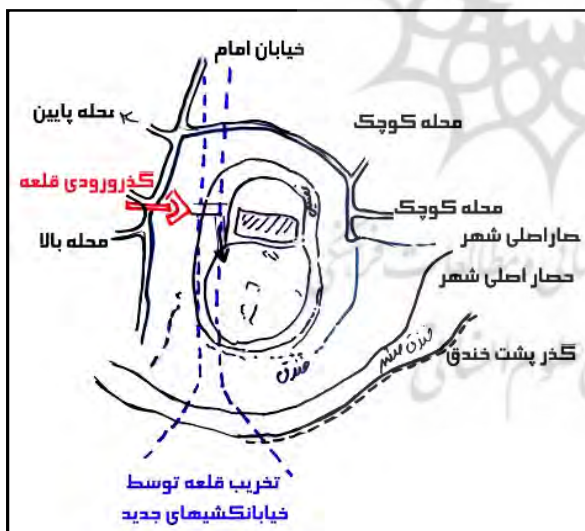
تجهیزاتی که ذکر شد، تا سال ۱۳۴۰ همچنان باقی بودند (تصویر ۱۲) و هم اکنون نیز بسیاری از مردم جزئیات آن را به خاطر می‌آورند. ولی با عبور خیابان امام از روی ساخت و سازهای نارین قلعه و محو

نمودن قسمتی از ساختار حصار اصلی و دروازه اصلی آن اولین حرکت تخریبی در سال های ۴۰ چهره خود را نمایان ساخت (شکل ۱۴).



شکل ۱۳. باز پیرایی کهندژ توسط علی اکبر شریفی (پویا، ۱۳۷۱، ۳۶).

۱- ارگ (شاه نشین) ۲- دربند ارگ ۳- دیوار سوم ۴- دیوار دوم ۵- دیوار اول
۶- خندق ۷- درگاه اصلی ۸- تخته پل ۹- تل های تپه ی بستر قلعه ۱۰- محوطه های اطراف



تصویر ۱۲. عکس هوایی ۱۳۳۵ (سازمان جغرافیایی ارتش، ۱۳۳۵)

شکل ۱۴. وضعیت قدیم و تحمیلی ۱۳۴۰ (نگارنده)

عبدالعظیم پویا تعداد دروازه های واقع در شش حصار تو در توی قلعه را پنج عدد می داند که از محوطه های در شرق محله بالای میبد شروع و پس از گذشتن از دروازه اصلی و تخته پل تعبیه شده بر روی خندق مقابل دروازه با عبور از چهار دروازه دیگر به بلندترین قسمت قلعه که محل سکونت حاکم منطقه بود

می‌رسیده است. هر یک از دروازه‌ها تجهیزات مشابهی جهت تأمین امنیت قلعه داشتند و در دربندهای باقی‌مانده نیز قابل مشاهده‌اند و این‌گونه تصویر شده: «در و دالان اصلی قلعه دارای برج نگهبانی و تأسیسات دفاعی ویژه‌ای بود. علاوه بر روزن‌های مورب و افقی برای دیده بانی و تیراندازی، چندین سوراخ عمودی نیز در سردرگاه تعبیه شده بود. دربندهای بالاتر نیز همین‌گونه تجهیزات را داشته‌اند.» (پویا، ۱۳۷۱: ۲۹). در حال حاضر دربند اول و دوم تخریب شده و از دربند سوم قلعه به بعد دربندها سالم و قابل تشخیص است. دربند سوم در مجاورت دیوار شرقی محوطه وسیع داخلی قرار دارد، و از آنجا به دربند چهارم می‌رسد. در خشت‌های دیوار مجاور آن خشت‌های کهن مستطیل شکل بزرگ^{۱۸} (علمی، ۱۳۸۳: ۴۴) به ابعاد ۱۰×۲۴×۴۰ سانتی‌متر (تصویر ۱۳) که در میان خشت‌های کوچک‌تر به ابعاد ۲۵×۲۵×۵ احاطه شده و نمایانگر دو دوره متفاوت ساخت و ساز در قلعه است. در مقابل دربند چهارم هم خشت‌هایی به ابعاد ۱۰×۲۵×۳۰ سانتی‌متر (تصویر ۱۴) به چشم می‌خورد. این در حالی است که خشت‌های با ابعاد ۱۰×۲۴×۴۰ سانتی‌متر از لحاظ ابعاد با خشت‌های «نوشیجان تپه ملایر» که یک دژ مادی است قابل مقایسه است. ابعاد دیگر خشت‌هایی که رفته عبارتند از: ۳۰×۳۰×۵، ۲۸×۲۸×۵، ۳۵×۳۵×۸ و ۲۵×۲۵×۱۰ و ... که تاریخ دقیقی را برای آن‌ها نمی‌توان در نظر گرفت. اما توجه به شواهد باقی‌مانده از بناهای آل مظفر در میبید می‌توان ابعاد ۶-۲۶×۵-۲۵-۲۶ را برای این دوره قابل تأیید دانست.



تصویر ۱۳. مجاور دربند سوم ۱۰*۲۴*۴۰ (نگارنده). تصویر ۱۴. مقابل دربند چهارم ۱۰*۲۵*۳۰ (نگارنده).

دکتر پویا ورود به قلعه و فضاها را این‌گونه به تصویر می‌کشد: «پشت درگاه اصلی که دروازه قلعه بود، در اصل یک کریاس یا دالان نسبتاً بزرگ (۵۰ متر مربع) قرار داشت که سه درگاه کوچک‌تر از آن جدا می‌شد. درهای سمت راست و چپ به فصیل می‌رفت و تمام محیط دیوار دوم را دور می‌زد در حالی که درگاه روبروی آن به مثابه دومین دربند به محوطه بزرگ داخل قلعه گشوده می‌شد. که در پس دیوار دوم محوطه بزرگ داخلی قلعه؛ که می‌توان آن را حیاط مرکزی نامید؛ جای داشت و بسیاری از اماکن و فضاهای مورد نیاز ساکنان قلعه در آن قرار گرفته بود. وسعت ده هزار متر مربع محوطه پس از ویرانگری‌های سال‌های ۴۰ به بعد از خاک و آوارها انباشته شده و چند طبقه از اماکن قلعه (تصاویر ۱۷، ۱۵ و ۱۸) زیر زمین بازی^{۱۹} (تصویر ۱۶) مدفون شده است.»



تصویر ۱۵. عکس هوایی ۱۳۴۷ محوطه هنوز تسطیح نشده (آرشیو پایگاه) تصویر ۱۶. تبدیل شدن محوطه نارین قلعه به زمین بازی کودکان (آرشیو آقای نیک زر).



تصویر ۱۷- محوطه جنوبی قلعه، قبل از تسطیح (پویا، ۱۳۷۱، ۱۱) تصویر ۱۸- محوطه جنوبی قلعه، بعد از تسطیح، قبل از خاک ریزی (آرشیو آقای نیک زر)

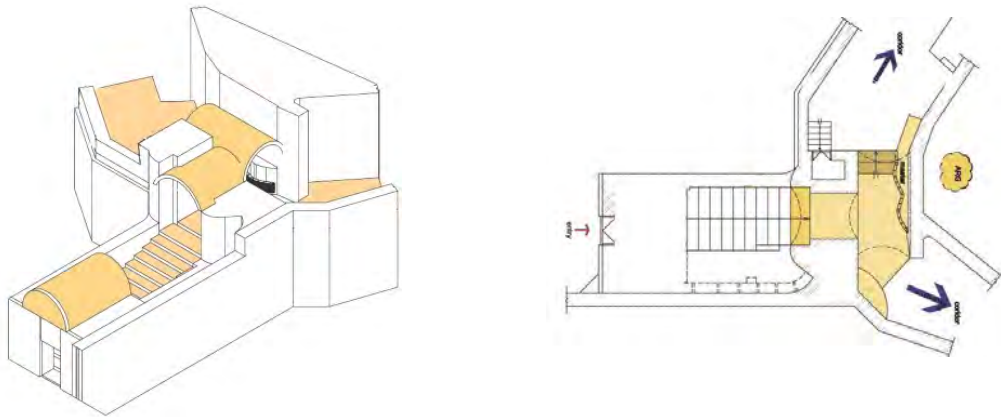
از دربند سوم که عبور کنیم (تصویر ۱۹) به دربند چهارم می‌رسیم (تصویر ۲۰) که در این محل؛ مسیر به دو قسمت (اشکال ۱۵ و ۱۶) می‌شود که یکی بخش شاه‌نشین را دور زده و دیگری فقط یک ضلع را طی می‌کند؛ سپس هر دو مسیر به یک نقطه که همان دربند پنجم است، می‌رسند (تصویر ۲۱)، مسیر چپ به بخش جنوبی و مسیر راست به جبهه شمالی قلعه منتهی می‌شود. در بخش جنوبی؛ هم‌سطح دربند چهارم قلعه سه اتاق دیده می‌شود که با توجه به خشت‌های بزرگ در اسپر می‌توان آن را از بخش‌های قدیمی قلعه محسوب نمود، که مانند بسیاری از فضاهای دیگر که با خشت‌های کوچک‌تر (احتمالاً از الحاق‌ها و مرمت‌های دوران آل مظفر است) پوشیده شده‌اند.



تصویر ۲۱. نمایی از دربند پنجم

تصویر ۲۰. نمایی از دربند چهارم

تصویر ۱۹. نمایی از دربند سوم و چهارم



شکل ۱۵. نمایش وجود دو مسیر از دربند ۴

شکل ۱۶. بیان ساده سه بعدی دربند ۳ و ۴ و تقسیم به طرف دربند ۵ روی پلان

جبهه شمالی قلعه دارای دو بخش بالا و پایین است؛ بخش بالا (تصویر ۲۲) دارای خشت‌هایی با ابعاد $۱۰ \times ۲۴ \times ۴۰$ بوده و بدنه گلی بخشی از سازه‌های آن قسمت را در بر می‌گیرد. بخش پایینی (تصویر ۲۳) دارای سازه‌ها و اتاق‌هایی منظم‌تر است که تنها از پاکار قوس به بالا از خاک بیرون است. اما با توجه به ابعاد خشت‌ها این بخش نیز باید از الحاق‌ها جدیدتر بنا (حدود ۸ هجری) باشد.

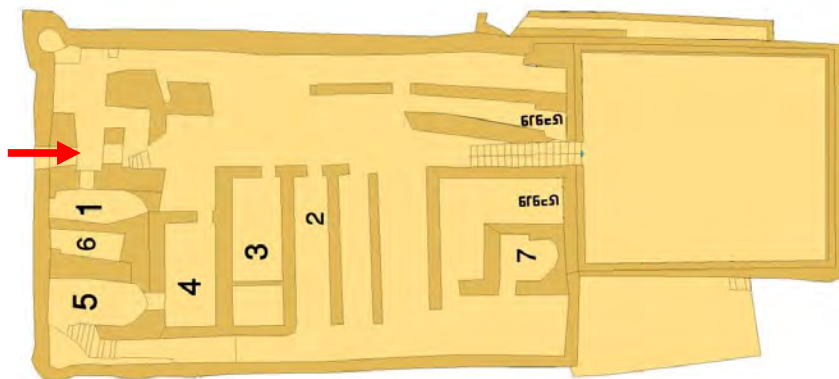


تصویر ۲۲. بخش بالایی جبهه شمالی و خشت‌های ابعاد $۱۰ \times ۲۴ \times ۴۰$. تصویر ۲۳. بخش پایینی جبهه شمالی (نگارنده).

۵-۱۱- شاه‌نشین قلعه

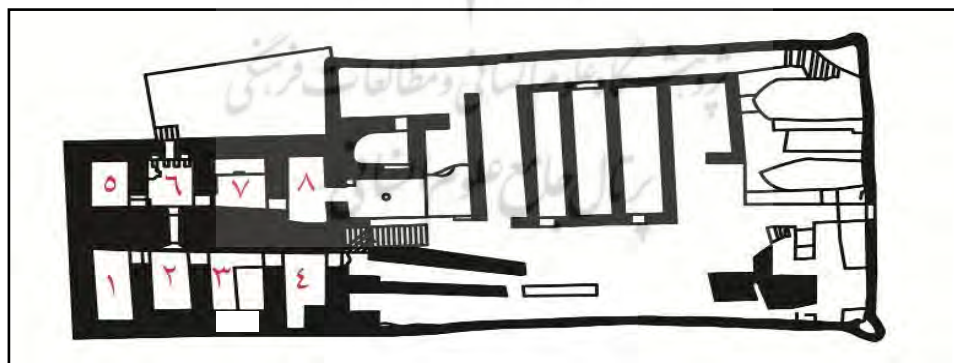
بخش اصلی قلعه طبقه فوقانی یا به اصطلاح شاه‌نشین آن است که ورودی آن دربند پنجم؛ واقع در دیوار غربی ارگ حکومتی؛ است (شکل ۱۷). به عبارتی کهن‌ترین بنای ارگ به صورت مجموعه‌ای مکعبی در یک اشکوب واقع شده و خود شامل سه طبقه در هم آمیخته (فضای شماره ۱ از همه پایین‌تر، ۵ و ۶ در یک سطح، بقیه فضاها هم در سطحی بالاتر قرار دارند) است. اتاق‌ها و فضاهای موجود در این بخش تقریباً سالم‌تر بوده و احتمالاً این مکان محل استقرار حاکمان وقت بوده است (شکل ۱۸). اتاق‌هایی که در ابتدای ورودی شاه‌نشین واقع هستند (۱ و ۵ و ۶) از خشت‌های بزرگ ساخته شده‌اند؛ که این امر نشان‌گر قدمت بیشتر آن‌ها است. فضاهای دیوار کشی شده دیگر در شاه‌نشین که بدون سقف بوده و در امتداد یکدیگر قرار

دارند، (۲ و ۳ و ۴) جدیدتر است. این اتاق‌ها دارای کف آجری و دیوار خشتی بوده که در جاهایی هنوز اندود گچ آن‌ها مشخص است. در یکی از این اتاق‌ها تاپوهای خرد شده دیده می‌شود که نشان می‌دهد این قسمت کاربرد انباری داشته است. در کف برخی از این اتاق‌ها سوراخ‌هایی است که محل نگهداری آذوقه بوده است (تصاویر ۲۴، ۲۵ و ۲۷).



شکل ۱۷. فضاهای واقع در محوطه داخلی ارگ حکومتی (آرشیو پایگاه پژوهشی میبد).

در بالاترین طبقه قلعه ایوانی رو به شمال گشوده شده که از این ایوان تمامی منطقه میبد تا چند کیلومتر را می‌توان زیر نظر داشت، این ایوان را ایوان شاه‌نشین می‌نامند (اتاق ۳). گویا کهن‌دژها غالباً دارای چنین موقعیت و چشم‌اندازی بوده‌اند. شاه‌نشین بلند و مشرف به شهر را در قدیم «ایوان» «کیاخره» (کیاسره) و به عربی طربال می‌گفته‌اند (پویا، ۱۳۷۱: ۲۱) (تصویر ۲۶). از تعمیرات نسبتاً جدید این ایوان مشخص است که تا اوایل قرن حاضر به گونه‌ای مورد استفاده بوده است.



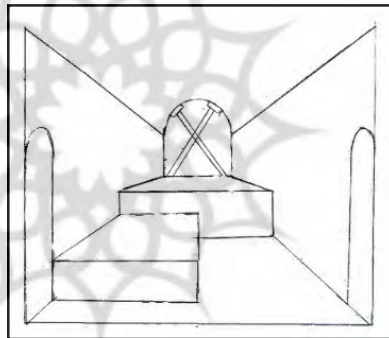
شکل ۱۸. بخش شاه‌نشین قلعه؛ شماره گذاری بر اساس ترتیب کاوش‌های باستان‌شناسی صورت گرفته (آرشیو پایگاه).

بخش قابل اهمیت‌تر شاه‌نشین شامل ۸ اتاق است که ۴ اتاق رو به شمال (۱ و ۲ و ۳ و ۴) و ۴ اتاق رو به جنوب (۵ و ۶ و ۷ و ۸) است و هسته اسپر آن‌ها همان تپه گلی است، که از کف تا سقف خشت و گاهی خشت و چینه است. ابعاد خشت دیوار اسپرها متنوع و نامنظم است. اما دیوارهای شرقی و غربی دارای

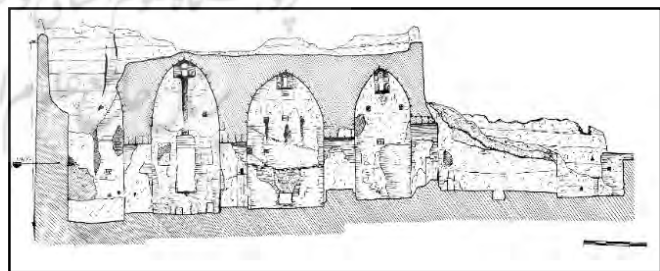
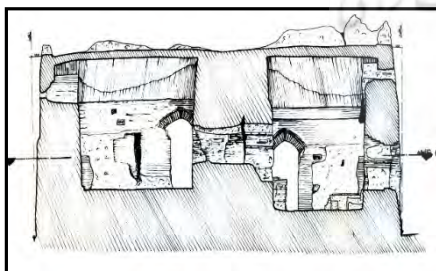
خشت‌های با ابعاد کوچک‌ترند. مرز مشترک بین اتاق‌های شمالی و جنوبی ضخامتی حدود ۳.۵ متر دارد. برخی از اتاق‌ها سکو (شکل ۱۹) و برخی نیز نورگیری کوچک در نزدیکی سقف دارند. اتاق سوم از اتاق‌های جنوبی (اتاق ۶) دارای سکوه‌های کوچک خشتی و راهرو به اتاق پشتی است که در حال حاضر مسدود است. کف اتاق‌های شمالی پایین‌تر از اتاق‌های جنوبی است که مانند اتاق‌های دیگر با خشت فرش شده است (روستایی، ۱۳۷۸) (اشکال ۲۰، ۲۱ و ۲۲).



تصویر ۲۴. وضعیت ارگ حکومتی قبل از عملیات کاوش. (آرشیو پایگاه). تصویر ۲۵. محوطه شاه‌نشین (ارگ) بعد از عملیات کاوش که متأخرتر از ساخت ارگ می‌باشد (نگارنده).

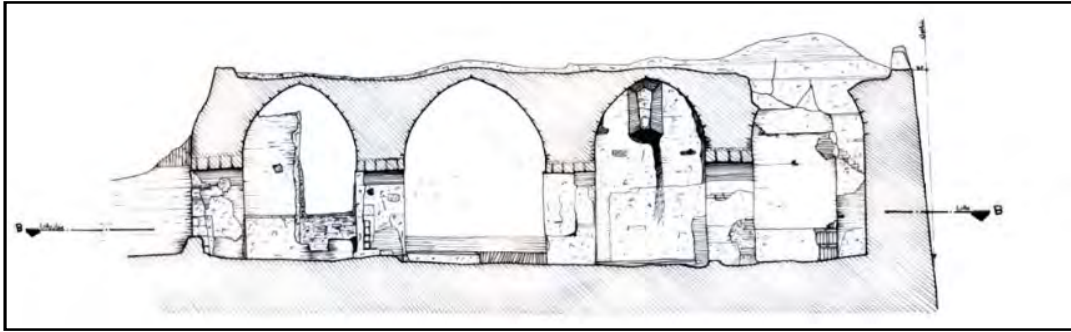


تصویر ۲۶. ایوان شاه‌نشین شکل ۱۹. بیان ساده سکوه‌های خشتی اتاق ۳ تصویر ۲۷. سوراخ‌های موجود در کف



شکل ۲۰. مقطع شرقی - غربی رو به جنوب؛ قبل از مرمت
شکل ۲۱. مقطع شمالی - جنوبی گذرنده از ۳ و ۷ (آرشیو پایگاه)

به این ترتیب در یک جمع بندی می‌توان سلسله مراتب قرارگیری این فضاها و طبقات مختلف قلعه را به صورت شماتیک (شکل ۲۳) همراه با دو نما - مقطع عمود برهم (اشکال ۲۴ و ۲۵) بیان نمود.



شکل ۲۲. مقطع شرقی - غربی روبه شمال (آرشیو پایگاه).

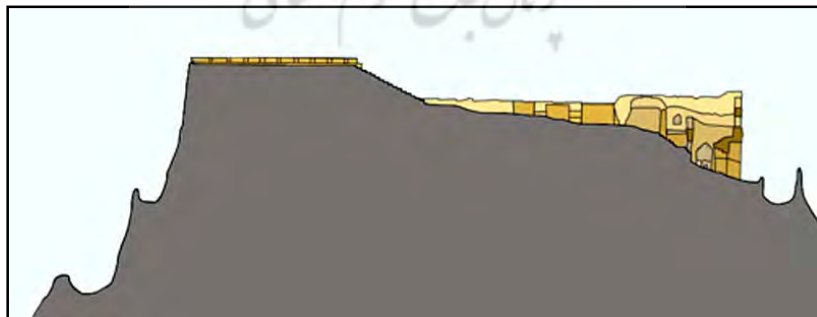
- ۱ - سطح محوطه تسطیح شده
- ۲ - سطح محوطه اطراف ارگ
- ۳ - سطح محوطه داخلی ارگ
- ۴ - سطح بام ارگ و شهر



شکل ۲۳. بیان شماتیک سطوح مختلف و سلسله مراتب دسترسی به آن‌ها در نارین قلعه (نگارنده).



شکل ۲۴. مشاهده سلسله مراتب ارتفاعی نارین قلعه در یک نما - مقطع شمالی - جنوبی از آن (نگارنده).

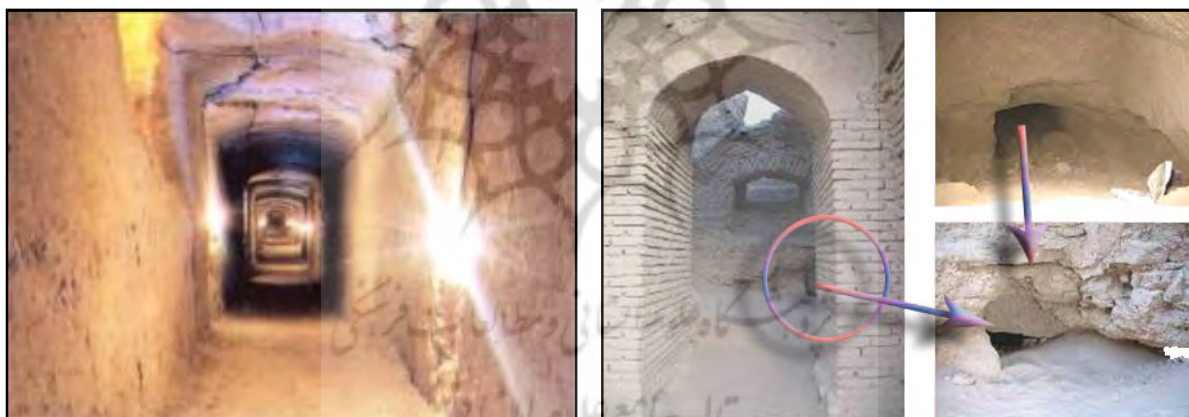


شکل ۲۵. مشاهده سلسله مراتب ارتفاعی نارین قلعه در یک نما - مقطع شرقی - غربی گذرنده از پلکان دسترسی به بام آن (نگارنده).

۱۲-۵- ارتباط زیرزمینی

بنا بر شواهد و روایت‌ها قلعه دارای نظام پیچیده رفت و آمد زیر زمینی و ارتباط پنهانی بوده است. نظام ارتباط و نحوه کاربرد پژوهش نشده اما دهانه تعدادی از این راهروها هنوز در جای جای قلعه پیدا است. بسیاری از میانسالان میبدی به یاد دارند که بقایای یک راهرو سرپوشیده در لای باروی بلند و ستبر قلعه وجود داشت. ابعاد این راهرو به اندازه‌ای بود که چارپایی با بار بتواند از آن عبور کند. به روایت مردم میبد؛ یک راهرو زیر زمینی تا محل آسیاب سنگ سیاه در غرب آبادی بیده (۳ کیلومتر غرب میبد) وجود داشته است. در حال حاضر پشت درگاه بالاترین دربند (دربند پنجم)، دهانه یک کانال زیرزمینی مشخص است که مردم آن را دهانه همان راهرو می‌پندارند (پویا ۱۳۷۱، ۲۲) (تصویر ۲۸).

قابل ذکر است، این‌گونه نقب‌ها در زمان آل مظفر و در جنگ و جدال‌ها کارکردی نظامی داشته است. با رجوع به پشت درگاه دربند پنجم و با جستجوی دهانه کانال زیرزمینی به‌سختی می‌توان در میان آوار، دهانه یک کانال را دید، اما این مهم که آیا این همان دهانه راهرو است یا نه به‌طور قطع مشخص نیست. ولی جهت دست یابی به اطلاعات درست و جدا از پندارها، این مکان نیاز به آواربرداری و کاوش بیشتر دارد. مشابه توصیف کالبدی چنین مسیرهایی، راهرو زیرزمین آسیاب دو سنگی واقع در محمدآباد؛ ده کیلومتری میبد؛ است که شتر با بارش می‌توانسته از آن عبور کند؛ که این مسیر در وضع کنونی آن مرمت شده و استفاده می‌شود (تصویر ۲۹).



تصویر ۲۸. پشت درگاه دربند پنجم قلعه (آرشیو پایگاه).

تصویر ۲۹. راهروی آسیاب دو سنگی واقع در محمدآباد دهانه کانال زیرزمینی ای قابل مشاهده است (نگارنده)

۱۳-۵- چاه

همان‌طور که در معرفی عناصر اصلی قلعه‌ها نیز آمد، یکی از عناصر قلاع، چاه است که نارین قلعه میبد نیز از این امر مستثنی نبوده و عنصر چاه در جای جای قلعه (تصویر ۳۰) به چشم می‌خورد. البته چاه‌های موجود در قلعه به صورت ۴ گوش کنده شده است. ابعاد یکی از چاه‌ها که پس از عبور از دربند پنجم قابل مشاهده است؛ ۱.۳۰×۱.۳۰ است (تصاویر ۳۱ و ۳۲).

روش کندن چاه این گونه است که چاه کن ایستاده و به روش کمر خیز عمل می کرده و بنابراین به فضای بیشتری نیاز داشته است. «چاه ۴ گوش را مقنیان یزد چاه کرمانی یا چاه گوری (گبری = پیش از اسلام) می نامند.» (پویا، ۱۳۷۱: ۲۲)



تصویر ۳۰. چاه داخل یکی از فضاهای داخلی قلعه

تصویر ۳۱. داخل چاه به ابعاد ۱.۳۰×۱.۳۰

تصویر ۳۲. محل چاه پس از عبور از دربند پن

۶- نتیجه گیری

در ساختار شهرهای قدیمی ایران کهن دژ به عنوان با اهمیت ترین و ممتاز ترین نقطه سوق الجیشی شهر، با بهره گیری از عوارض طبیعی و صفه های مصنوعی ساخته شده و با دیوارهای سنگینی محافظت می شده است. در شهرسازی کهن ایرانی قلعه یا کهندژ جایگاهی ویژه و استراتژیک داشته که در مدیریت، سازماندهی و برقراری امنیت در منطقه نقشی تعیین کننده بر عهده داشته است. سازه و ساختار اصلی فضاهای قلعه که حاصل انباشت و درهم تنیدگی لایه های ادوار مختلف است بخش های زیادی از بستر رسی و زمین های اطراف را از آن خود ساخته و خود را مانند پیکره ای ممتاز و برجسته نمایان ساخته است. انسجام و وحدت سازه های فضاهای داخلی قلعه و استقلال کالبدی آن در قیاس با پیوستگی و انسجام فضاهای پیرامون و بافت شهری از ویژگی های برجسته ی آن است. فضاهای درونی قلعه را می توان متشکل از بخش های مختلف دانست. به احتمال قوی خود نارین قلعه در ابتدا به مثابه یک سکونتگاه در کنار شاهراه باستانی مطرح بوده و به مرور یک هسته ی ابتدایی روستانشینی در بیرون آن شکل گرفته است که بعدها در جریان گسترش و ایجاد محلات متوالی به صورت شهر بزرگی درآمد و تا به امروز نیز در حال گسترش است. با توجه به آنچه گذشت، شایسته است پژوهش ها و کاوش های این اثر ارزشمند کامل شده و نکات مبهم ساختاری و کارکردی آن با وجود پرسش ها و حدسیات بسیاری که بدون قطعیت از کنار آن ها گذر نمودیم؛ روشن شده تا معرفی و احیای در خور آن صورت گیرد و شناخت لایه های پنهان آن دری به سوی روشن شدن بخش های ناگفته در این گونه آثار بگشاید.

۷- سپاسگزاری

با سپاس فراوان از دکتر اسفنجاری، دکتر چگینی، دکتر پویا، سرکار خانم شیبانی، مهندس نیکزاد، مهندس اسعدی، مهندس دهقانی، مهندس پور مهرباب و جناب آقای نیک زر از دوستداران میبد و تمام دوستان عزیز در پایگاه پژوهشی، میراث فرهنگی و شهرداری میبد که به حق، خالصانه در راستای شناخت و معرفی این اثر تاریخی مرا یاری و راهنمایی نمودند.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- در زمینه کیفیت این تراس، بستر و تپه طبیعی باید مطالعات زمین شناسی ویژه‌ای انجام شود (اسفنجاری ۱۳۸۵، ۳۰).
- ۲- یکی از معانی دیو نسبتی است که اقوام آریایی به بومیان سرزمین‌های تصرف شده خود می‌دانند. قراین حاکی از آن است که برای بنیاد دژها و قلعه‌ها؛ آریایی‌ها از نیروی بومیان بهره می‌گرفته‌اند. ظاهراً مادها یکی از تیره‌های آریایی بودند که در آن روزگار این سرزمین را در تصرف خود داشتند (پویا، ۱۳۷۱: ۶).
- ۳- به نقل از مجمع الانساب، ص ۲۱۰
- ۴- روایت‌های منسوب به جمشید باستانی در ایران بعد از اسلام به حضرت سلیمان منسوب گردیده است. زیرا مردم بسیاری از بناهای باشکوه نظیر تخت سلیمان، تخت جمشید، زندان سلیمان، نارین قلعه را که به نظر خارق العاده می‌آمده به جنیان و دیوان که تحت فرمانروایی سلیمان بودند منسوب می‌کردند.
- ۵- فصل‌های اول و دوم کاوش‌های باستان شناسی در سال‌های ۷۸ (فصل اول، مدیر پروژه: زرین تاج شیبانی، سرپرست هیأت: ناصر نوروز زاده چگینی)، کاوش و حفاری علمی در بخش شاه‌نشین قلعه) و ۸۰ (فصل دوم مدیر پروژه و هیأت: زرین تاج شیبانی، سرپرست هیأت: شریفی، که به حفاری‌های بخش غربی شاه نشین و فضای ورودی اختصاص یافته که ادامه کاوش‌های سال ۷۸ به شمار می‌رفت) انجام شده است.
- ۶- شهرهای ایرانی عهد ساسانی این گونه توصیف شده‌اند: «در این شهرها کهندژی با باروهای کنگره دار، بخش نظامی شهر را تشکیل می‌داد، قسمت اساسی شهر در شارستان بود و بر گرداگرد کهن دژ، بازارها در درون دیوارهای شهرستان و گاهی در بیرون آن بودند...» (اشرف، ۱۳۵۳)
- ۷- برگرفته از گزارش باستان شناسی، نوشته شیبانی (گزارش‌های ۵ ساله مدیریتی پایگاه پژوهشی میبد).
- ۸- در متون قدیم وقتی در مورد مکانی می‌نویسند مسجد جامع (آدینه) و منبر دارد یعنی امیرنشین است (افشار، ص ۳۳۵)
- ۹- جهت دسترسی به اطلاعات کامل در مورد شهر کهن میبد و پژوهش‌های صورت گرفته در راستای شناخت و معرفی شهر می‌توانید به کتاب میبد شهری که هست مراجعه نمایید.
- ۱۰- مصاحبه با دکتر ناصر نوروز زاده چگینی، درباره نارین قلعه میبد که از این قرار است: «آنچه مشهود است اینکه نارین قلعه و نارنج قلعه هر دو در جاهای مختلف استفاده شده، در برخی جاها گفته شده نارین قلعه، به قلعه کوچک گویند ولی من به این اعتقاد ندارم چون قلعه تفلیس یک قلعه بزرگ است ولی به آن هم نارین قلعه می‌گویند. حتماً مختصاتی باید باشد و معانی دیگری پشت آن وجود دارد... اگر نارین را نار + ین (دو تا بودن) که نار (انار) را مادینگی بگیریم کلمه نارین قلعه در معنا نزدیک می‌شود به معنای قلعه دخترها که یک اساس و پایه داشته‌اند. ممکن است بین نارین قلعه و قلعه دختر تفاوت‌هایی هم وجود داشته باشد مثلاً در یک منطقه قلعه دختر بگویند و در جایی نارین قلعه. مثلاً زمانی که زبان ترکی شد، قلعه دختر شد قز قلعه... به نظر من این نوع قلاع تیپ خاصی از قلعه هستند که جایگاه مهمی را دارا هستند. در جاهایی حتی می‌توانم بگویم قلعه دختر فیروزآباد شبیه نارین قلعه میبد است که تفاوت آن‌ها در این است که قلعه دختر فیروز آباد کوهستانی ولی نارین قلعه میبد در دشت است. ولی با استنباط‌های من، قلعه دختر با نارین قلعه یکی است. در آهنگ‌های

محلی خراسان هم یک دونه انار دو دونه انار (نارین) که از نشانه‌های مادینگی است را می‌توان یافت..... نارین قلعه را در خیلی جاها داریم؛ ممکن است نامش گم شده باشد. نارین قلعه به نظر من به معنای دست نیافتنی، بکر، جای غیرقابل دسترس که این معانی، همه شبیه (معانی) قلعه دخترهاست. به نظر می‌رسد که بر اساس رسم و رسومات گذشته باشد. قلعه‌هایی که این چنین ساخته می‌شوند؛ قلعه‌هایی محصورند و دفاع از آن را به عهده می‌گیرند. برای دفاع امتیازهای معینی (از نظر بصری، جای بلند و تدافعی، غیرقابل دسترس) برای آن قائلند. در تفلیس هم همین مفاهیم را می‌توان دید و جستجو کرد. در قلعه‌ها بخش مشرف بر شهر را که حاکم در آن جا ساکن می‌شد؛ بالاحصار می‌گفتند... بنابراین نارنج و نارین اگر هم به معنای کوچک باشد منظورش فقط ارگ بالایی و حاکم نشین است. به هر حال نارین به معنای کوچک، خیلی ضعیف است. نیاز هست به دنبال معانی قدیمی‌تر از آن باشیم. به نظر من نارین اطلاق متأخرتری است و نارنج، قدیمی‌تر است و از نظر منطقه و کاربری منطقه‌ای و زبانی این‌گونه شده است با مطالعات گسترده‌تر به حقایق بیشتری دست یافت.

۱۱- بر اساس تقسیمات وی، استحکامات عبارتند از: ۱- دیوارها و خندق‌ها که بخشی از کشور را حفاظت می‌کرده است. ۲- استحکامات شهرها شامل کهندژ (قندوز- قندز) یا ارگ یا قلعه میانی و شهرستان (شارستان) و بارو و خندق و روض و ۴ تا ۸ دروازه و پل روان است. ۳- استحکامات و دژهای کوهستانی. ۴- قلعه‌های ارتباطی. ۵- قلعه‌های راهداری که نوعی از قلعه-های حفاظتی محسوب می‌شد. ۶- قلعه‌های نظامی که در دوران معینی به نام رباط خوانده می‌شدند. ۷- قلعه‌هایی که با نام آتشگاه خوانده می‌شوند بر سر قلعه‌های بلند که چشم انداز و میدان دید باز داشت ساخته می‌شد.

۱۲- محمد کریم پیر نیا بر آنست که از لحاظ تاریخ معماری اهمیت این بنا کمتر از تخت جمشید نیست (پویا، ۱۳۷۱: ۱۰).

۱۳- محقق و پژوهشگر و مؤلف، عضو انجمن دوستداران میبد، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد میبد.

۱۴- فصل نخست بهمن ماه ۱۳۷۸ در بخش شاه نشین قلعه و فصل دوم ۱۳۸۰ در جبهه غربی شاه‌نشین.

۱۵- عناصر اصلی قلعه به نقل از مقاله آقای پارسی عبارتند از: قلعه، دژ، حصن، پناهگاه، دژ، کلات / بارو: یا باره که همان دیوار و حصار قلعه است و به آن سور نیز گفته می‌شود. / برج: ساختمان استوانه یا مکعب که در گوشه‌ها یا جای دیگر قلعه می‌سازند معنی قلعه‌ی کوچک نیز می‌دهد. / خندق (کندک و کنده و خندک): گودی که گرداگرد شهر یا لشکرگاه یا قلعه برای مقابله با دشمن و سیل می‌کنند. / شیر حاجی: دیواری که دور دیوار اصلی قلعه می‌کشند. / ارگ: دژ کوچکی که در میان دژ بزرگ ساخته می‌شود و معمولاً محل زندگی حاکمان است. / درب: دروازه قلعه است. در بعضی قلعه‌ها درهای پنهانی نیز وجود داشته است. / تخته پل: پلی است چوبی که روی خندق قرار می‌گیرد و توسط زنجیر جمع می‌شده تا مانع ورود دشمن به قلعه شود. / مترس: هم به معنی چوبی است که در پشت دروازه می‌گذارند تا باز نشود و هم به معنی چوبی است که بر سر کنگره‌های دیوار قلعه می‌گذارند تا وقتی دشمن به پای دیوار رسید بر سرش بزنند به معنی پیکره‌هایی هم هست که به صورت سپاهیان آراسته بر بالای قلعه راست می‌کرده‌اند. / مزغل، تیرکش، سوراخی که برای انداختن تیر در دیوار قلعه ایجاد می‌کنند. / آسیاب: بیشتر قلعه‌های مسکونی آسیاب داشته‌اند. / آب انبار: در همه قلعه‌ها فضای آب‌انبار وجود داشته. / چاه: چاه‌ها هم برای دسترسی به آب کنده می‌شده. بناها در حالت کلی شامل خانه، مسجد، معبد، بازار و اتاق‌های مختلف، سربازخانه و حمام می‌شده است.

۱۶- عبدالعظیم پویا شش حصار تو در تو برای قلعه ذکر کرده است.

۱۷- معمولاً در فصیل‌ها ساخت و ساز چندانی وجود ندارد و بیشتر یک فاصله است که در هنگام نبرد دسترسی به داخل قلعه را به تأخیر بیندازد.

۱۸- وجود این خشت‌های بزرگ در هر کجای قلعه مبین قدمت آن قسمت از بنا تا دوران حداقل پیش از اسلام است (علمی ۱۳۸۳، ۴۴).

۱۹- تا سال ۱۳۷۸ که اقدامات جدی در زمینه کاوش قلعه صورت می‌گیرد، محوطه تسطیح شده قلعه به عنوان زمین بازی مورد استفاده کودکان بوده است.

منابع

- آدینه، علی (۱۳۸۸). **طرح حفاظت و مدیریت گردشگری نارین قلعه میبد**. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر اصفهان.
- آدینه، علی. ۱۳۸۷/۰۷/۲۴. **مصاحبه‌ای منتشر نشده با ناصر نوروز زاده چگینی: در ارتباط با کاوش و حفاری علمی در بخش شاه‌نشین قلعه**.
- آدینه، علی. ۱۳۸۷/۰۷/۲۴. **مصاحبه‌ای منتشر نشده با زرین تاج شیپانی: در ارتباط با کاوش و حفاری علمی در بخش شاه‌نشین قلعه**.
- اسفنجاری، عیسی (۱۳۸۱). **طرح بهسازی و توانبخشی و مرمت محله بالای میبد**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر اصفهان.
- اسفنجاری کناری، عیسی (۱۳۸۵). **میبد شهری که هست**. پایگاه میراث فرهنگی گردشگری میبد.
- اشرف، احمد (۱۳۵۳). **تحقیق در مسائل ایران؛ ویژگیهای تاریخی شهر نشینی در ایران - دوره اسلامی**. مجله مطالعات جامعه شناختی (دوره قدیم). شماره ۴.
- افشار، ایرج (۱۳۵۴). **یادگارهای یزد**. تهران: انجمن آثار ملی.
- پارسی، فرامرز (۱۳۸۵). **قلعه نشینی**. مجله فرهنگ معماری، ۶۵: ۳۹-۶۱.
- پایگاه پژوهشی میبد، آرشیو گزارشات و عکس‌ها.
- پویا، سید عبدالعظیم (۱۳۷۱). **سیمای باستانی شهر میبد**. دانشگاه آزاد میبد.
- حکیم، محمد تقی خان (۱۳۶۶). **گنج دانش جغرافیای تاریخی شهرهای ایران**. تهران: انتشارات زرین.
- خورشیدی، هادی (۱۳۸۰). **پژوهش بر سفال میبد**. پایگاه پژوهشی میبد.
- ذاکر عاملی، لیلا (۱۳۸۲). **گزارش ۵ ساله مدیریتی و مجموعه عملکردهای پروژه بزرگ میبد**. میبد: پایگاه پژوهشی.
- روستایی، کوروش (۱۳۷۸). **دست نوشته‌های گزارش باستان شناسی بخش شاه نشین**. آرشیو پایگاه پژوهشی میبد.
- ستوده، منوچهر (۱۳۶۶). **قلاع (سابقه تاریخی)**، معماری ایران دوره اسلامی. محمد یوسف کیانی (ویراستار)، مجموعه مقالات. چاپخانه ارشاد اسلامی، تهران.
- علمی، مجید (۱۳۸۳). **حفاظت و استحکام بخشی خشت‌های دربند سوم نارین قلعه میبد**. پایان‌نامه کارشناسی مرمت آثار تاریخی و فرهنگی، دانشگاه هنر اصفهان.
- کاتب، احمد (۱۳۵۷). **تاریخ جدید یزد**. به کوشش ایرج افشار، تهران، امیرکبیر.
- نصیری اصل، عبدالرضا (۱۳۸۴). **ساماندهی محوطه پیرامون نارین قلعه میبد**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مرمت ابنیه، دانشگاه هنر تهران.